



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹/ اردیبهشت/ ۱۳۹۵

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

مصادف با: ۱۱ شعبان المعظم ۱۴۳۷

موضوع جزئی: اجزاء - مقام دوم - بررسی اجزاء در اصالة الصحة

جلسه: ۱۰۸

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در اجزاء در مورد اصالة الصحة بود. مقدمتا برای تنقیح بحث در مجرای اصالة الصحة گفتیم موضوع بحث جایی است که شخصی، دیگری را به عنوان نائب اجیر کرده تا عملی را نیابتا از طرف او انجام دهد. حال شخص موجر نسبت به اصل انجام عمل توسط اجیر اطمینان دارد، لکن در این که آیا اجیر، عمل را به نحو صحیح انجام داده یا فاسد شک دارد. در این صورت موجر می تواند با استناد به اصالة الصحة بنا را بر صحت عمل نائب گذارد، لکن اگر بعدا کشف خلاف شد و معلوم گردید که عمل نائب به طور صحیح واقع نشده، در اینصورت بحث می شود که عملی که توسط نائب انجام شده و موجر با استناد به اصالة الصحة حکم به صحت آن نموده و اکنون کشف خلاف شده است، آیا مجزی از واقع می باشد یا نه؟ لذا بحث اجزا در این فرض قابل تصور است.

بررسی مفاد دلیل اعتبار اصالة الصحة

همان طور که بیان شد برای اینکه مسئله اجزاء در این مسئله روشن شود باید دلیل اعتبار اصالة الصحة را بررسی کنیم، همانطور که در مورد اصالة الطهارة و اصالة الحلیه و استصحاب و امثال آنها قبل از هر چیز سراغ دلیل اعتبار و حجیت این اصول رفتیم. در مورد مدرک و مستند اصالة الصحة دو وجه می توان ذکر کرد:

وجه اول: مدرک اصالة الصحة ظاهر حال مسلم است. یعنی ظاهر حال مسلم اماریت بر صحت عمل انجام شده توسط مسلمان دارد. اگر بخواهیم برای اعتبار اصالة الصحة به حیث اماریت ظاهر حال مسلم تمسک کنیم، همانند امارات باید قائل به عدم اجزاء شویم. همانطور که در مورد امارت بیان شد، اگر عملی مستند به اماره ای گردید و سپس کشف خلاف شد نمی توانیم قائل به اجزاء شویم. بنابراین اگر اصالة الصحة را به عنوان یک اماره بپذیریم و دلیلش را ظاهر حال مسلم بدانیم قهرا باید قائل به عدم اجزاء شویم.

وجه دوم: مدرک اصالة الصحة روایات است. از جمله روایت امیرالمؤمنین که می فرمایند: «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ»^۱.

طبق این وجه مسئله اجزاء باید به صورت دقیق تری مورد بررسی قرار بگیرد.

^۱ وسائل ج ۸ باب ۱۶۱ من ابواب احکام العشرة حدیث ۳

معنای روایت این است که فعل برادر دینی یا قول برادر دینی را حمل بر قول و فعل حسن و صحیح کنید «احسنه» به معنای افعال التفضیل نیست. یعنی اگر فعل و قول برادر دینی قابل حمل بر خیر و شر است آن را بر وجه حسن حمل کنید.

در مسئله اجزاء در اصالة الطهارة و اصالة الحلیة و استصحاب عمدتا با تکیه بر حکومت این اصول بر ادله‌ای که محکوم این ادله بودند قائل به اجزاء شدیم. یعنی اگر در اصالة الطهارة قائل به اجزاء شدیم چون «کل شی لک طاهر» حاکم بر دلیل «صل مع الطهارة» است یا اگر در اصالة الحلیة قائل به حلیت شدیم چون «کل شی لک حلال» حاکم بر دلیلی است که می‌گوید «لا تصل فی اجزاء ما لایؤکل لحمه» یا اگر در استصحاب قائل به اجزاء شدیم «لا تنقض الیقین» حاکم بر «لا صلوة الا بطهور» است. اما در ما نحن فیهِ «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ» بر چه دلیلی حاکم است؟ آیا حکومت در ما نحن فیهِ قابل تصویر است؟ اگر در این روایت «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ» دقت کنیم کاملا معلوم است که مخاطب این خطاب یک نفر است ولی فعل در رابطه با شخص دیگری است. به عبارت دیگر: در «لا تنقض الیقین بالشک» خطاب به خود مکلف تعلق گرفته است و به او گفته شده که یقین خود را با شک نقض نکن. یعنی هم مخاطب و هم موضوع حکم یکی است. اما در ما نحن فیهِ مخاطب یک شخص است ولی موضوع حکم شخص دیگری است.

روایت می‌گوید: «ضع امر اخیک» کار برادرت را حمل بر وجه حسن کن. اگر بخواهیم در موضوع بحث (جایی که شک در صحت و فساد عمل نائب داریم) مسئله اجزاء را بررسی کنیم، طبق این روایت باید فعل نائب را حمل بر صحت کنیم، لذا اگر موجر شک کند که نائب، صوم و نماز استیجاری را که قرار بود انجام دهد صحیحا انجام داده یا نه باید فعل او را حمل بر صحت کنند. اما وقتی نسبت به فعل نائب کشف خلاف شد مسئله اجزاء دیگر ربطی به او ندارد.

به عبارت دیگر اگر بعد از جریان اصالة الصحة در عمل نائب و اجیر، روشن شد که عملش صحیح نبوده یا عملش فاسد بوده؛ قهرا نائب و اجیر استحقاق اجرت را ندارد. زیرا نائب پول را گرفته تا عمل را به صورت صحیح انجام دهد. اما به صرف شک در این که نائب عمل را به صورت صحیح انجام داده یا نه نمیتوان به نائب پولی نداد ولی اگر کشف خلاف شد و روشن گردید که عمل نائب به صورت غیر صحیح و فاسد اتیان شده است استحقاق اجرت او از بین می‌رود ولی استحقاق اجرت یا عدم آن به مسئله اجزاء مربوط نیست.

پس بعد از کشف خلاف و عدم استحقاق اجرت نائب، این مسئله تأثیری در اجزاء نسبت به آن فعلی که از ناحیه منوب عنه باید واقع می‌شد ندارد زیرا شک موجر این است که عمل نائب که باید از طرف منوب عنه انجام می‌شد آیا صحیح واقع شده یا نه؟ لذا نمی‌داند ذمه او از تکلیف بری شده یا نه؟ پس به هیچ وجه مجالی برای حکم به اجزاء وجود ندارد و در ما نحن فیهِ نمی‌توانیم در صورت کشف خلاف، حکم به اجزاء کنیم. پس در مواردی که به استناد اصالة الصحة حکم به صحت عملی شده باشد بعد از کشف خلاف با توجه به اینکه روایت «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ» در رابطه فعل نائب موجر را مکلف به حمل صحت عمل می‌کند. لذا اگر کشف خلاف شد باید قائل به عدم اجزاء شد. زیرا وقتی شک در صحت و فساد عمل نائب کردیم و با اصالة الصحة فعل را صحیح دانستیم بعد از کشف خلاف وجهی ندارد که قائل به اجزاء از آن عملی شویم که به حسب واقع باید انجام می‌شد. لذا بر خلاف اصول عملیه که قائل به اجزاء بودیم، در این مسئله قائل به عدم اجزاء می‌شویم. زیرا در سایر اصول عملیه

ادله اعتبار و حجیت آنها حکومت بر ادله مورد نظر دارند ولی در ما نحن فیه اصلا بحث حکومت مطرح نیست زیرا دلیل اعتبار اصاله الصحه ناظر به دلیلی نیست تا بخواهد با توسعه در دلیل محکوم یا تضییق در آن به نوعی آن را تفسیر کند.

خلاصه بحث اجزاء

این تمام کلام در بحث اجزاء بود. همانطور که ملاحظه شد مسئله اجزاء را از ابتدا تا کنون در دو مقام مورد بررسی قرار گرفت یکی اجزاء اتیان مامور به نسبت به امر خودش و دیگری اجزاء اتیان مامور به نسبت به امر دیگر که این قسم را در دو بخش مطرح کردیم.

در مقام اول گفتیم که اتیان به مامور به نسبت به امر خودش مجزی است اما نسبت به امر دیگر در دو بخش بحث کردیم: یکی در امارات و دیگری در اصول عملیه. در امارات بنابر مسلک طریقت بحث کردیم هرچند اقوال متعددی در مسئله اجزاء در امارت بنابر قول به طریقت وجود دارد؛ از اجزاء مطلقا گرفته تا قول به عدم اجزاء مطلقا و تفصیل هایی که بعضا در این مقام داده شده که به تفصیل بحث گذشت. در رابطه با اصول عملیه نیز مسئله اجزاء را مطرح کردیم و تا کنون تقریبا بحث اجزاء تمام گردید. بحث بعدی مقدمه واجب است که با توجه به اتمام سال تحصیلی این مسئله را در سال بعد مورد بررسی قرار می دهیم.

انتظارات حضرت ولی عصر (عج) از ما

اگر کسی سوال کند انتظار امام زمان از مردم و مسلمین علی الخصوص شیعیان در زمان حاضر چیست، با استناد به کلام خود حضرت پاسخ این سوال را عرض می دهیم.

حضرت می فرماید: «كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ امْرَأً يَبْعَثُهُ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنَجِّيه مِنْ عِقَابِنَا نَدَّمَ عَلَى حَوْبَةٍ»^۱

هر یک از شما باید کاری را انجام دهد که سبب قرب و نزدیکی به ما و جذب محبت ما شود و باید از عملی که از نظر ما ناخوشایند است و موجب ناراحتی ما می شود دوری کند.

منظور حضرت این است که ما باید کارهایی را انجام دهیم که موجب جذب محبت و علاقه اهل بیت (علیهم السلام) و امام زمان (عج) شود و ما را به آن ها نزدیکتر کند و از کارهایی که موجب سخط و نارضایتی آنها است اجتناب کنیم. سپس گویا حضرت در ادامه می فرماید: اگر شخصی این کار را نکرد و کارهایی که موجب قرب به ما و نزدیک به ما است را انجام نداد و از کارهایی که نارضایتی ما در آن است اجتناب نکرد؛ در لحظه ای ممکن است توبه کند که به حال او سودی نداشته باشد و او را از عذاب الهی دور نکند. این قسمت توقیع شریف در واقع جزای شرط محذوف است مولا دستوری می دهد و می فرماید: این اعمال را انجام دهید و این اعمال را انجام ندهید ولی اگر شخصی بر خلاف این عمل کند ممکن است زمانی توبه کند که به حال او فائده ای نداشته باشد.

پس حضرت از ما دو خواسته دارند: یکی اینکه اعمال ما موجب قرب ما به آن بزرگوار شود و موجبات رضایت ایشان از ما را فراهم کند و دیگر اینکه اعمال ما موجب ناخشنودی ایشان از ما نشود. لذا اگر غیر از این باشد حضرت می فرماید: ممکن است

^۱ بحار ج ۵۳ ص ۱۷۶ در ضمن حدیث ۷

زمانی برسد که توبه کنید ولی سودی به حال شما نداشته باشد. توبه از اعمالی که باید انجام می دادیم و انجام ندادیم، و نیز توبه از اعمالی که نباید انجام می دادیم و انجام دادیم.

این روایت به وضوح دلالت می کند بر این که صرف ادعای پیروی و ادعای محبت کافی نیست و دل خوش کردن به این مطلب که ما محب اهل بیت هستیم و ادعای پیروی از ایشان را داریم در حالیکه اعمال ما بر خلاف خواسته های ایشان است عقیده باطلی است.

توجه به این نکته هم مهم است که منظور از رضایت اهل بیت جز رضایت خدا نیست چه اینکه خود حضرت می فرمایند: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ سَنِنَا»^۱ قلوب ما ظرفهایی است برای مشیت و اراده الهی پس هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم.

اگر امام زمان می فرماید: ما از شما انتظار داریم در جهت قرب به ما حرکت کنید و مواظب باشید کاری نکنید که از ما دور شوید به این معنا نیست که رضایت و خشم امام زمان در عرض رضا و سخط خدا باشد بلکه رضایت و خشم امام زمان در طول رضایت و خشم خداست چون می فرمایند: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ سَنِنَا» جان و روح اهل بیت ظرفهایی است برای مشیت الهی.

این انتظار از اشخاصی که لباس سربازی امام زمان را پوشیده اند به مراتب بیشتر است. جای تعارف نیست امام (علیه السلام) از همه این انتظار را دارند ولی این دو خواسته از اشخاصی که به این نشان افتخار مفتخر شده اند بسیار ویژه تر و خاص تر است. شخصی که ادعا می کند سرباز امام زمان می باشد رفتار او حتما بیشتر مورد توجه و مراقبت است چه از ناحیه مردم و چه از ناحیه خود امام زمان. لذا خیلی باید مراقب باشیم و از خدا استمداد بطلبیم، زیرا ممکن است خدای نکرده روزی برسد که به فکر توبه بیافتیم در حالیکه آن توبه دیگر برای ما سودی ندارد و یا بدتر آن که امکان توبه برای ما فراهم نشود.

این که گفته شد حضرت ولی عصر (عج) از ما انتظار دارند مهم این است که خود ایشان کارهای ما را بررسی می کنند که تا چه حد به این انتظار جامعه عمل می پوشانیم چون می فرمایند: ما مراقب شما هستیم و کارهای شما را رصد می کنیم، «فَأِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَحْبَارِكُمْ»، ما بر تمامی احوال شما آگاهیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست.^۲

پس از یک طرف حضرت دستور العمل زندگی به ما داده اند که چه کارهایی باید انجام شوند و چه کارهایی نباید انجام شوند یعنی انجام واجبات و ترک محرّمات و این خیلی دستور پیچیده ای نیست و نیازی به مسیرهای خاص و کارهای خاص ندارد. در ادامه حضرت می فرمایند: ما مراقبیم و شما را رصد می کنیم و چیزی از شما از ما پنهان نیست.

اگر همه ما به این دو نکته توجه کنیم و ببینیم چه اعمالی مورد رضایت وجود مقدس امام زمان است و چه اعمالی موجب ناخشنودی آن حضرت است و نیز توجه کنیم که اعمالی که در خفاء و آشکار انجام می دهیم آن وجود مقدس به اذن الهی از آن مطلع می شود خیلی برای ما سازنده خواهد بود. اگر به این مسئله که امام زمان (ع) به خواست و مشیت خدا واقعا ناظر بر اعمال ما می باشد توجه کنیم آن گاه از ارتکاب اعمالی که حاضر نیستیم احدی از آن اطلاع پیدا کند سرافکننده نمی شویم؟ اگر همین را

^۱ بحار ج ۵۲ ص ۵۱

^۲ بحار ج ۵۳ ص ۱۹۶ در ضمن حدیث ۲۱

به خودمان یادآوری کنیم که امام زمان از احوال ما مطلع می شود، آیا جرات می کردیم این اعمال را انجام دهیم؟ بالاتر از این اگر بدانیم آن وجود مقدس حتی از افکار و نیات ما هم به اذن خداوند مطلع می شوند آیا این گونه که الان هستیم و فکر و اندیشه می کنیم، باقی خواهیم ماند؟ پس اگر می خواهیم امام زمان(عج) از ما راضی باشد باید انتظارات او را بر آورده کنیم.

«الحمد لله رب العالمین»